

از واکنش بد اطرافیان تا ترس از خود؛

ناگفته های "ترنس ها"; درباره چالش های زندگی شان

ترنس ها یا افراد Transsexual، افرادی هستند که از بدو تولد هویت جنسی شان با جنسیت انتسابی آن ها در تضاد است.

به گزارش سایت خبری پرسون، به عبارت دیگر یک فرد تراجنسیتی در باور و پذیرفتن جنسیت خود مشکل دارد و البته رفتار و منش اجتماعی جنس مخالف را دارد یعنی فرد هویت جنسی کاملاً مردانه دارد در حالی که شخصیت جنسیتی اش کاملاً زنانه است و یا برعکس.

فتوای امام خمینی در سال ۴۳ برای ترنس ها، روزنه امیدی بود تا بتوانند طعم زندگی عادی را بچشند اما با گذشت سال ها از این فتوا این افراد با وجود تطبیق جنسیت هنوز آن گونه که باید در جامعه پذیرفته نمی شوند.

جراحی تطبیق جنسیت برای ترنس ها تنها یک عمل جراحی ساده نیست چون به گفته خودشان زندگی آن ها را به دو بخش قبل و بعد از عمل تقسیم می کند اما عمل جراحی هیچگاه پایانی برای مشکلات ترنس ها در جامعه نبوده و همچنان با مشکلات مختلفی در ازدواج، اشتغال و... روبه رو هستند.

از خودم می ترسیدم، چون نمی دانستم چه کسی هستم!

علی یکی از ترنس هایی است که حدود دو سال است جراحی تطبیق جنسیت انجام داده است. او در خصوص مشکلات ترنس ها می گوید: اولین باری که درک کردم TS به چه معنی است، دوم دبیرستان بودم؛ یکی از همکلاسی ها به من گفت با این رفتارهایت نمی توانی دختر باشی؛ تو ترنس هستی و من در مقابل پرسیدم ترنس یعنی چی؟

وی ادامه می دهد: آن زمان هنوز گوشی همراه هوشمند نداشتم و با گوشی مادرم درباره ترنس سرچ کردم. وقتی متوجه این موضوع شدم و بعد از آن فتوای امام خمینی را درباره ترنس ها خواندم، سردرگم شدم. از خودم می ترسیدم، چون نمی دانستم من چه کسی هستم اما بعد از آن جرقه ای در ذهنم زده شد و از آن زمان بیشتر درباره خودم فکر می کردم تا ببینم چه کسی هستم.

وی می گوید: وقتی از خانواده می پرسیدم می گفتند که در بچگی ظاهر کاملاً پسرانه ای داشتی. از خانواده درباره اخلاق و رفتار کودکی ام می پرسیدم برای اینکه مطمئن شوم که واقعاً ترنس هستم یا توهم دارم.

واکنش بد اطرافیان

علی در ادامه درباره برخورد و واکنش اطرافیان بیان می کند: دوران مدرسه کسی اذیت نکرد اما همیشه از من می پرسیدند که چرا این شکلی لباس می پوشی و چرا رفتارهای این شکلی داری؟! اما در دوران دانشگاه در یکی از کلاس های درس، استاد از ما خواسته بود که مطلبی را بنویسیم، وقتی خواستم برگه را تحویل او بدهم رو به من گفت "تو به من نزدیک نشو، تو به من نزدیک نشو".

وی می گوید: وقتی این واکنش را دیدم هنگ کردم و فقط نگاه می کردم. استاد بعد ادامه داد "معلوم نیست تو اصلاً پسر هستی یا دختر، برو آن طرف، به من نزدیک نشو". خیلی ناراحت شدم اما سعی کردم به روی خودم نیاورم اما این ناراحتی من زمانی ادامه پیدا کرد که استاد دوباره رفتار بدتری نشان داد چون خیلی پشت سر من پیش سایر اساتید و دانشجویان حرف می زد.

حرف های ناراحت کننده زیادی می شنیدم

علی با بیان اینکه ما در پروسه پزشکی قانونی هم خیلی اذیت شدیم، می گوید: در اداره پزشکی قانونی هم سربازانی که آنجا خدمت را می گذرانند برخورد بدی داشتند و یا نوبت ما را به تعویق می انداختند. وقتی هم چیزی می گفتم خطاب به من می گفتند که "برو بیرون، معلوم نیست که جنسیت تو چیست، چرا باید کار تو را راه بیندازیم؟" و جلوی همه تحقیر می کردند، خیلی زیاد حرف های ناراحت کننده می شنیدم.

شروع پروسه جراحی تطبیق جنسیت و چالش های پیش رو

او درباره چالش های پیش روی خود در پروسه عمل جراحی می گوید: وقتی می خواستم پروسه جراحی را شروع کنم، نمی دانستم که در کشور ما هم عمل جراحی تغییر جنسیت انجام می شود بنابراین تمام تلاشم این بود که بعد از پایان تحصیلات به خارج از کشور بروم و عمل تطبیق جنسیت را همان جا انجام بدهم.

علی ادامه می دهد: برای اولین بار با یک روانشناس تماس گرفتم و این مساله را مطرح کردم. پیش روانشناس که رفتم، همان جلسه اول تأیید کرد که من ترنس هستم و باید روند درمان را شروع کنم. در طول پروسه درمان، کادر درمان برخورد عادی داشتند چون شرایط من را می دانستند.

بعد از اینکه کارم به بیمارستان کشید، برای جراحی مصمم‌تر شدم

وی در پاسخ به اینکه واکنش خانواده در برابر تصمیم به تطبیق جنسیت چه بود و آیا به اندازه کافی حمایت‌گر بودند؟ ادامه می‌دهد: تقریباً می‌توانم بگویم که فامیل و آشنایان وقتی با من روبه‌رو می‌شدند برخوردی خنثی داشتند اما پشت سرم حرف می‌زدند. اولین باری که به مادرم گفتم خیلی عادی برخورد کرد و گفت "بله این موضوع را می‌دانستم اما نمی‌دانستم که باید عمل تطبیق جنسیت انجام شود". بنابراین مخالفتی نکردند و همراهی کردند اما از طرف خواهرم واکنش بدی داشتم و می‌گفت که تو آبروی ما را می‌بری.

موافقت مادر و رفتار دوگانه پدر

علی می‌گوید: برخورد پدرم نیز خنثی بود و می‌گفت می‌دیدم رفتارهای مردانه داری اما نمی‌دانستم که باید عمل جراحی کنی. پدرم پیشنهاد رفتن پیش یک ماما را داد. بعد از اینکه حسابی روح و روان من و خانواده به هم ریخت، کتک خوردم و کارم به بیمارستان کشید، مصمم‌تر شدم. پدر موافقت کرد اما بعدها فهمیدم که همه این‌ها یک حقه است و یکی از آشنایان به من پیام داد که نمی‌خواهند برای تو کاری کنند و خودت دست به کار شو.

وی ادامه می‌دهد: بعضی از فامیل هم می‌گفتند که با این کار آبروی‌مان می‌ریزد. به مدت دو سال همه پروسه‌های عمل جراحی و تطبیق جنسیت را به تنهایی انجام می‌دادم و هیچ کسی همراهی نمی‌کرد.

همکاری خوب دانشگاه در ثبت‌نام

او با اشاره به برخورد بسیار خوب مسئول دانشگاه، بیان می‌کند: با اینکه هیچ مدرک هویتی برای ثبت‌نام در دانشگاه نداشتم اما ریاست دانشگاه خیلی خوب همکاری کرد.

چالش‌های گرفتن مدارک هویتی جدید

علی در ادامه می‌گوید: بعد از چند ماه نوبت دادگاه داشتم. قاضی اذن صدور شناسنامه نوشت و برای ثبت احوال ارسال شد اما وقتی شناسنامه را دادند، در حالی که ذوق زیادی برای دریافت شناسنامه جدید داشتم، در صفحه توضیحات نوشته شده بود که اسم اولم به اسم علی تغییر کرده است در صورتی که نباید چنین چیزی ثبت می‌شد. چون در ازدواج به مشکل برمی‌خوردم البته بعد از چند ماه شناسنامه‌ام اصلاح شد. برخورد سازمان‌های مرتبط با ثبت احوال خوب بود و با این مساله کاملاً آشنایی داشتند.

در پایان علی با اشاره به یکی از مشکلات اساسی ترنس‌ها می‌گوید: مشکل اصلی من اشتغال و استخدام است؛ حرف‌ها و قضاوت‌ها اصلاً برایم مهم نیست. من فقط در اشتغال مشکل دارم چون وقتی برای استخدام به جایی می‌روم، به کارت پایان خدمت نگاه می‌کنند و علت معافیت را می‌بینند و بلافاصله رد می‌کنند.

می‌خواهیم ما هم مثل بقیه، افراد عادی به حساب بیاییم

مهران یکی دیگر از ترنس‌هایی است که در خصوص چالش‌ها و مشکلاتش می‌گوید: باید در رابطه با افراد شبیه به ما فرهنگ‌سازی شود. در جامعه صحبتی از ما نمی‌شود پس مردم هم چیز زیادی نمی‌دانند. می‌خواهیم که ما هم مثل بقیه به عنوان افراد عادی به حساب بیاییم.

مهران جراحی تطبیق جنسیت را انجام داده است و حدود یک سال است که پیگیر مدارک هویتی است اما هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است.

او در این خصوص بیان می‌کند: درخواست داریم که وقت‌مان در دادگاه‌ها برای مسائلی از قبیل گرفتن شناسنامه و مدارک هویتی تلف نشود. از دستگاه‌های قضایی می‌خواهم که بابت مدارک هویتی این‌قدر ما را اذیت نکنند. حدود یک سال است که با وجود پیگیری‌های زیاد هنوز شناسنامه ندارم.

مهران اشتغال را یکی از مشکلات اساسی می‌داند و می‌گوید: کارکردن برای افراد TS بسیار سخت است چون هم بقیه افراد ما را مسخره می‌کنند و هم اینکه اساساً جایی استخدام نمی‌شویم. هر جا می‌رویم به محض اینکه بفهمند ترنس هستیم یا عمل تطبیق جنسیت انجام داده‌ایم، قبول‌مان نمی‌کنند.

ما منحرف نیستیم

سمیرا از دیگر ترنس‌هایی است که مشکلات مشابه مشکلات علی و مهران دارد.

او درباره چالش‌ها و دغدغه‌هایش بیان می‌کند: امید زیادی به حل مشکلات ترنس‌ها ندارم چون اساساً سازمان و نهادی ما را حمایت نمی‌کند و تنها سازمان بهزیستی خدمات مشاوره‌ای می‌دهد. اگر درباره مشکلاتم بگویم چه دردی دوا می‌شود؟

او در پایان می‌گوید: از مردم می‌خواهم بدانند که ما از نظر جنسی منحرف نیستیم بلکه روح و جسم‌مان از نظر جنسیتی با یکدیگر تطابق ندارند. در نهایت، اصلی‌ترین مشکل ما اشتغال است.